



University of Zanjan

The Journal of

Ethical Reflections

Vol.2, Issue 4, Winter, 2021-2022, pp. 27-52.

Online ISSN: 2717-1159 / Print ISSN: 2676-4810

<http://jer.znu.ac.ir>

Original Research

Individual and Social Ethical Conduct

from the Viewpoint of Ibn ‘Abbās

Morteza Hemmatipūr,¹ Hāmed Khanī (Farhang Mehrvash),² SeyyedRezā Mūsavī,³

Moḥammad ‘Alī Mīr⁴

Abstract

The prevailing popular ideology of Muslims suggests that the Companions were mere narrators of the Sunnah of the Prophet (pbuh) and did not have distinct ideas. Thus, in practice, no effort has been done until the contemporary era to study the opinions of the Companions, know their relationship with each other, study moral thoughts, and compare their moral opinions to each other and to the Shiite school of Ahl al-Bayt. Also, comparison of those teachings with the teachings of the Holy Prophet is less explored, and more neglected. This study aims at reviewing the moral thought of Abdullah Ibn Abbas (d. 68 AH/ 688 CE) with a critical look at this comprehensive approach. Ibn Abbas was a jurist and commentator from the younger generation of the Companions, whose position as a moral teacher or the influence of his moral thoughts on Islamic culture and vision of later periods have not been explored. Among his system of moral opinions, this study is devoted to the study of those ideas that have been narrated about the optimization of individual and social behavior. These ideas have been reflected in his commentaries on Qur'anic verses as well as his questions and quotations from the Holy Prophet (PBUH), and have been formed as one of the dimensions of Ibn Abbas's moral thinking.

Keywords: Ibn ‘Abbās, Moral behavior, Sin, Al-Zuhd, Religious Extremism, Human Rights.

Received: 03 Jan. 2022 | **Accepted:** 24 Jan. 2022 | **Published:** 19 Feb. 2022

1. PhD student in Qur'ān and Hadith Studies, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Hemmati102@HotMail.com

2. **Corresponding Author**, Associate Professor, Department of Islamic Theology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Mehrvash@HotMail.com

3. Assistant Professor, Department of Islamic Theology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, R3131393@GMail.com

4. Assistant Professor, Department of Islamic Theology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. MohammadAliMir.60@GMail.com



دانشگاه زنجان

فصلنامه تأملات اخلاقی

دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۲۷-۵۲.

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۱۱۵۹

شاپا چاپی: ۴۸۱۰-۲۶۷۶

مقاله پژوهشی

سلوک اخلاقی فردی و اجتماعی از نگاه ابن عباس

مرتضی همتی پور،^۱ حامد خانی (فرهنگ مهرش)،^۲ سیدرضا موسوی،^۳ محمدعلی میر^۴

چکیده

ایدئولوژی غالب عامه مسلمانان چنین القاء می کند که صحابه راویان محض سنت پیامبر (ص) بوده و اندیشه‌هایی متمایز نداشته‌اند. این گونه، عملاً مطالعه‌ای برای بررسی آراء صحابه و شناخت نسبت آن‌ها با هم‌دیگر صورت نگرفته، و خاصه مطالعه تفکرات اخلاقی و شناخت تمایز آراءشان با هم‌دیگر و با مکتب اهل بیت (ع) یا سنجش نسبت آن آموزه‌ها با تعالیم پیامبر (ص) کم‌تر کاویده، و بیش‌تر مغفول واقع شده است. می‌خواهیم در این مطالعه با نگاهی انتقادی به این رویکرد فراگیر، اندیشه اخلاقی عبدالله بن عباس (درگذشته ۶۸) را بازنگریم؛ فقیه و مفسری از نسل صغار صحابه که جایگاهش هم‌چون یک معلم اخلاق یا تأثیر اندیشه‌هایش بر فرهنگ اسلامی دوره‌های بعد را نکاویده‌اند. این مطالعه از جنس مطالعات تاریخ اندیشه اخلاقی است و از میان منظومه آراء اخلاقی ابن عباس بر آن دسته از آراء وی تمرکز دارد که درباره بهینه‌سازی سلوک فردی و اجتماعی روایت شده، در تفسیرش از قرآن و سؤالاتش و نقل قول‌هایش از پیامبر (ص) هم بازتاب یافته، و بُعدی از ابعاد تفکر اخلاقی او را شکل داده است. این مطالعه مدخلی خواهد بود برای آن‌که بتوانیم در گام‌های بعد با مقایسه تعالیم صحابه مختلف، تصویری واضح‌تر از تاریخ اندیشه اخلاقی مسلمانان در نیمه نخست سده یک حاصل کنیم.

واژه‌های کلیدی: ابن عباس، سلوک اخلاقی، گناه، زهد، تندروی دینی، حق الناس.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران،

Hemmati102@HotMail.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران،

Mehrvash@HotMail.com

۳. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران، R3131393@GMail.com

۴. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران،

MohammadAliMir.60@GMail.com

مقدمه

اخیراً در مطالعه‌ای نشان داده شده است که یک بُعد مهم از ابعاد سلوک اخلاقی در تفکر ابن عباس، اصلاح بینش‌ها و بهینه‌سازی ذهن است. خیر اعلی از دید ابن عباس که از آن گاه به سعادت ابدی، گاه به فوز و فلاح و گاه به قرب خدا تعبیر می‌شود، جز با برخورداری از روانی شاد در همین دنیا به دست نمی‌آید و از همین رو است که در روایات ابن عباس تأکید بر مضامینی هم‌چون ضرورت اصلاح نیت (احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۸)، لزوم خیرخواهی برای عموم (همان، ج ۱، ص ۳۵۱، «الدین النصیحة»)، و دوری دائمی از غفلت (همان، ج ۱، ص ۳۵۷) هم‌چون ضرورتی تخلف‌ناپذیر برای سلوک اخلاقی شناسانده می‌شود (نک. مهروش و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۲۸).

مطالعه یاد شده نشان می‌دهد ابن عباس معتقد است برای رسیدن به روانی چُنین شاد، باید نخست این را که خدا یگانه مؤثر در عالم هستی است با تمام وجود پذیرا شد و خود را به او سپرد؛ بعد نیت خود را برای خدا خالص کرد، برای عمل صالح کوشید، بر چُنین عملی صبوری ورزید و در مقام رویارویی با مصائبی هم‌چون ضعف در برابر گناهان، همیشه امیدوار ماند. این صبر و امید را نیز باید با مراقبه دائم تقویت کرد؛ مراقبه برای از یاد نبردن کارهای خیر و امیدواری به رحمت خدا در نتیجه بخشی کارهایی که با نیت خیر صورت می‌گیرند (نک. مهروش و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۱۵ به بعد).

به طبع می‌توان انتظار داشت که فراتر از تأکید بر بهینه‌سازی ذهن، گونه‌ای سلوک فردی و اجتماعی نیز در آثار بازمانده از ابن عباس برای دستیابی به روان شاد (خیر اعلی از نگاه وی) بازنموده شود. مطالعه پیش‌رو کوششی برای بررسی همین ابعاد از منظومه اندیشه اخلاقی ابن عباس است. می‌خواهیم بدانیم: اولاً، از نگاه وی برای دستیابی به خیر اعلی یا همان روان شادان در زندگی فردی و اجتماعی باید چه رفتارهایی پیش گرفت؟ ثانیاً، به باور وی هریک از این رفتارها چه تأثیری بر شادی روان فرد می‌گذارند؟ ثالثاً، شاخصه‌های کلی، آموزه‌های مکرر و وجوه بارز سلوک پیشنهادی ابن عباس چیست؟

در این مطالعه مسئله انتساب اقوال به ابن عباس را به عنوان یک پیش‌فرض در نظر می‌گیریم. می‌خواهیم دریابیم ابن عباس نمادینی که مسلمانان می‌شناسند، مروج کدامین رفتارها است؟ این را که آراء ابن عباسِ نمادین با ابن عباس واقعی چه ربطی دارد، باید موضوع مطالعه‌ای جداگانه انگاشت؛ مطالعه‌ای که هرگاه به تلاش کنونی برای شناخت اندیشه ابن عباسِ نمادین ضمیمه شود، می‌تواند ما را در سنجش امکان انتساب همه این گزارش‌ها به یک شخصیت تاریخی نیز یاری رساند (برای تبیین مبانی شناخت اندیشه یک صحابی بر اساس روایات او نگاه کنید به: همتی‌پور، ۱۴۰۰، سراسر فصل یک).

۱. کفّ نفس

از نظر ابن عباس دست یابی به روانِ شادان بدون کفّ نفس امکان پذیر نیست. اگر کسی می خواهد گرامی ترین مردم باشد، باید به تقوا دست یابد (نک. معافی، ۱۴۲۰، ص. ۲۶۰). چنین تقوایی با کوشش برای کفّ نفس و دوری جویی از لذت ها پدید می آید؛ زیرا پیروی از هوی و هوس هلاکت انسان را به دنبال دارد (بزار، ۱۹۹۸، ج ۸، ص. ۲۹۵). بدترین مردم نیز کسی است که برای نیازهایش به خدا امید می ورزد؛ ولی او را اطاعت نمی کند (ابن مبارک، بی تا الف، ص. ۱۵۹؛ طایالسی، ۱۴۱۹، ص. ۳۴۷). از آن سو، پای بندی به اوامر و نواهی شرعی انسان را در پناه خدا قرار می دهد (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۳۰۷) و فرد را به بهشت می رساند؛ اما کسی که کوتاهی کند از حمایت خاصّ الهی دور خواهد ماند (همان، ج ۱، ص. ۲۹۳).

۱-۱. گناهان دهان

بر این اساس، وی معتقد است که اول تا می شود باید از محارم الهی دوری کرد (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۳۰۶). از ابن عباس پرسیدند آیا عمل نیک بسیار در کنار گناه بسیار به صلاح نزدیک تر است یا عمل نیک اندک و گناه کم؟ او گفت چیزی برتر از گناه گریزی نمی شناسد (ابن مبارک، بی تا ب، ۲۲). ابن عباس شمار گناهان را بسیار می شمرد (نک. ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص. ۱۴۷)؛ ولی بیش ترین توجه وی به خویشتن داری از گناهان دهان، گناهان جنسی و گناهان فکری است.

ابن عباس بر خویشتن داری از گناهان دهان تأکید ویژه دارد. بخشی از این گناهان به کارکردهای زبان مربوط است. او می گوید انسان در قیامت از چیزی به اندازه زبانش ناراحت نیست (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰، ص. ۱۵۴). وی به مراقبت از زبان توصیه می کند و خود نیز در عباراتی زبانش را خطاب قرار می دهد و از او می خواهد یا حرف نیکو بزند که سودی ببرد، یا سکوت بکند تا قبل از پشیمانی در امان بماند (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۸، ص. ۳۳۵). نیز، در جای دیگر از قولش آورده اند کسی که سخن نسنجیده بگوید از آفات گفتارش در امان نخواهد بود (ابن ابی دنیا، ۱۴۱۰، ص. ۹۵).

از جمله گناهان دهان که در روایات ابن عباس نهی فراوان از آن شده، دروغ گویی است. وی می گوید انسان، مکلف به راستگویی است و نباید سخن را با دروغ در آمیزد (طبری، ۱۴۲۲، ج ۱، ص. ۳۶۳). راستی در گفتار، بی نیازی و امنیت را به هم راه می آورد (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰، ص. ۱۵۴). وی دروغ گو را هم ردیف با شیطان می نما یاند (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۲۶۷)؛ نظری که بسیار شبیه اقوال امانوئل کانت، فیلسوف نامدار اخلاق، درباره دروغ است (نک. اترک، ۱۴۰۰ ش، ص. ۴۷-۴۸).

از او نقل شده است که «هرکس به دروغ ادعا کند خوابی دیده است، روز قیامت مکلف خواهد شد که دو دانه

جو را به هم گره بزند!» (معمر بن راشد، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۹۹؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۶)؛ کنایه از این که بازتاب کذب دنیوی اش وزری اخروی است که راهی برای غلبه بر آن نخواهد یافت.

از دیگر گناهان دهان که ابن عباس به شدت نکوهش می کند، عیب جویی است. او سفارش می کند: «اگر خواستی از کسی عیب بگیری، نخست عیوب خود را بازگویی» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰، ص ۱۵۴؛ ابن ابی دنیا، ۱۹۹۲، ص ۲۲). می گوید نه تنها عیب جویی خطاست که گوش سپردن به عیب دیگران هم گناه است. از قول پیامبر اکرم (ص) نقل می کند هر کس به ذکر عیوب جماعتی گوش فرادهد که اگر خود بشنوند خوش ندارند، سُرَب داغ در گوشش خواهند ریخت (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۶۷؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۶، ۲۱۶) و عذاب سختی در انتظار اوست (معمر بن راشد، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۹۹).

در روایات ابن عباس به دیگر گناه دهان یعنی لقمه های حرام نیز توجه شده است (برای نمونه، نک. احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۷). نهی از شُرَبِ خَمَر جزو موارد مکرر در روایات ابن عباس است. شرب خمر کلید تمام بدی ها باز نموده می شود (حاکم، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۱۶۲): عقل را زائل می کند و درهای گناهان کبیره را روی فرد می گشاید (ابن ابی دنیا، بی تا، ص ۵۱). این حکم اختصاص به خمر ندارد؛ فرقی میان شراب کشمش و انگور و جز آن ها نیست (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۰) و نوشیدن هر آنچه که عقل را زایل کند، حرام است (ابوداود، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۷). هر کس مُسکری بنوشد، نماز چهل روزش ناقص خواهد بود و اگر چهار بار توبه شِکَنَد خدا او را از چرکِ خون آغشته دوزخیان خواهد نو شاند (همان جا). حتی نشستن بر سفره ای که در آن خمر بنوشند حرام است (طبرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۱۹۱).

شرب خمر به قدری از نگاه ابن عباس مذموم است که معتقد است که معتاد به شُرَبِ خَمَر خدا را مانند بت پرستان ملاقات خواهد کرد (نک. احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۲). در مقام توضیح ارتباط این نهی اکید با دین شناسی وی، نخست باید به خاطر آورد که می گوید اساس دین بر تعقل بنا شده است و خدا به وسیله عقل شناخته می شود (برای مطالعه بیشتر اقوال او در این باره نک. جاحظ، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۹۹؛ نک. اخبار...، ص ۱۱۴؛ حارث، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۸۰۶؛ ثعلبی، ۱۴۳۶، ج ۱۰، ص ۴۳۷). همین تأکید بر دوری از خمر موجب می شود که در مقام تفسیر نهی نبوی از کاربرد ظروفِ شرب خمر، آن را حاکی از حرمت بداند (نک. احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۸)؛ برخلاف برخی صحابه دیگر که معتقد بودند هدف پیامبر اکرم (ص) نه نهی از کاربردِ خود ظروف برای مصارف حلال، بلکه نهی از محتوایِ بخصوصِ آن ها بوده است (نک. ابن وهب، ۱۴۲۰، ص ۳۲).

۱-۲. گناهان جنسی

نهی از روابط نامشروع جزو مضامین پرتکرار در روایات ابن عباس است. او معتقد است چنین روابطی باعث

جدایی نور ایمان از فرد می شود (طبری، بی تا، ج ۲، ص. ۶۲۱)؛ از همین رو، شرط ورود به بهشت را دوری از زنا و رفتارهای مانند آن است (ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰، ج ۲، ص. ۶۴۰). او نقل می کند پیامبر (ص) فرمودند هر که در جوانی زنا کند یا واسطه شهوت رانی دیگران یا مرتکب عمل قوم لوط (ع) شود، از رحمت خدا دور خواهد ماند (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۲۱۷، ۳۳۰).

ابن عباس حتی نقل می کند چنین رفتارهایی ممکن است به خشم خدا و جاودانگی در جهنم بینجامد (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص. ۱۳۸)؛ زیرا وقتی کسی مبادرت به زنا می کند از دایره مسلمانان خارج می شود (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۸، ص. ۱۵). افزون بر این، از قول پیامبر اکرم (ص) برای زنا پیامدهایی در زندگی دنیوی نیز روایت می کند؛ پیامدهایی هم چون رفتن آبروی شخص و قطع روزی (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص. ۱۳۸؛ مالک، ۱۴۰۶، ج ۲، ص. ۴۵۷). هم چنین، می گوید مردم هر سرزمینی که زنا در آن رواج یابد عذاب خدا را برای خود خریده اند و مرگ و میر نیز در میان شان بسیار می شود (مالک، ۱۴۰۶، ج ۲، ص. ۴۵۷؛ طبرانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص. ۱۷۸).

برپایه روایات ابن عباس، اطاعت از شیطان سبب اصلی گرایش به گناهان جنسی است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۲، ص. ۵۴۰). به اعتقاد وی، شیطان انسان را به واسطه چشم، قلب و یادش در زمان رویارویی با نامحرم دچار وسوسه می کند؛ اگر چشم دچار غفلت شود، قلب هم به غفلت خواهد افتاد (وکیع، ۱۴۰۴، ص. ۷۹۶). این گونه، او نگاه به نامحرم را زنا و چشم و سر آغاز راهی می داند که به زنا ختم خواهد شد؛ هم چنان که زنا و زبان را هم آن می شناساند که شخص با زنی به هدف فحشاء وارد گفتگو شود (نک. صنعانی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص. ۲۵۳). بر همین اساس تأکید می کند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند با زن بیگانه بدون حضور محارم خلوت نکنند و زنان هم بدون محارم خود به سفر، حتی سفر حج واجب، نروند (نک. طرابلسی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص. ۴۵۳)؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۳۴۶. نیز روایت می کند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند که دو هم جنس نباید کنار هم بیارمند (همان، ج ۱، ص. ۳۰۴)؛ هم چنان که فرمودند هر که خود را به شکل جنس مخالف در آورَد ملعون است (نک. همان، ج ۱، ص. ۳۳۰).

به هر حال، وی معتقد است اگر زنا واقع شد، شخص نباید عمل قبیح خویش را اظهار کند؛ زیرا قباحت در جامعه فرومی کاهد (نک. ابن مبارک، ۱۴۱۱، ص. ۷۴). همین مضمون را از قول پیامبر اکرم (ص) نیز روایت می کند (عفان، ۱۴۱۲، ص. ۱۸۱؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۲۴۵، ۲۷۰). افزون بر این، پنهان داشتن آن را برای حفظ آبروی خود فرد هم لازم می داند (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص. ۱۳۸) و می گوید پیامبر (ص) نیز می کوشید کسانی را که اعتراف به زنا می کردند به نحوی منصرف کند (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۲۳۸).

در هر حال، بهترین کار برای توبه از این اعمال نامشروع نماز خواندن است؛ زیرا نماز بدی ها را از میان می برد (همان، ج ۱، ص. ۲۴۵). باری، همان قدر که ارتکاب گناهان جنسی، موجب سقوط معنوی است، خویش داشتنی از این

گناهان هم فرد را در معرض لطف و بخشش خدا قرار می‌دهد؛ حتی اگر این خویشتن‌داری در همین حد باشد که شخص در ایامی مبارک و کوتاه مثل زمان حج از چشم و گوش و زبانش مراقبت کند (نک. همان، ج ۱، ص ۳۲۹).

۱-۳. خودبینی، خودنمایی و ناسپاسی

گفتارهای ابن عباس و روایاتش از پیامبر (ص) درباره دوری از گناهان دهان و فرج که تا کنون ذکرش رفت، یادآور همان گفتار مشهور پیامبر اکرم (ص) است که صحابه مختلف روایت کرده‌اند و البته در میان مضامین منقول از ابن عباس دیده نمی‌شود؛ همان که پیامبر اکرم (ص) به کسی فرمودند برای نجاتش کافی است میان دو پا و دو گوش خود (کنایه از فرج و دهان) را مراقبت کند (مالک، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۹۸۸). با این حال، در گفتارهای ابن عباس در کنار این دو دسته از گناهان توجهی جدی نیز به گناهان فکری دیده می‌شود؛ چیزی که باید شاخصه روایات ابن عباس تلقی کرد. این توجه به گناهان فکری مستلزم نوعی مراقبه نیز هست؛ چنان‌که از وی نقل شده است، انسانی که همه چیز زندگی‌اش را در دست یافتن به خدا می‌داند، می‌بایست هنگام کارهای روزمره دقت بیش‌تری کند (نک. معافی، ۱۴۲۰، ص ۲۶۰).

از مهم‌ترین گناهان فکری به باور ابن عباس خودبینی است؛ این که شخص بیش از آن که ذهنش درگیر خدا و نعمت‌های او باشد، به خود پردازد. بارزترین جلوه این خودبینی، از نگاه وی، ناسپاسی است که سبب می‌شود وقتی به فرد نعمتی داده شود، قدر نشناسد و چون از او سلب شود، از رحمت خدا نومید گردد (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج ۶، ص ۱۰۳). نه فقط ناسپاسی در برابر خدا، که ناسپاسی در برابر همسر، دوستان و ذوی‌الحقوق هم گناه بزرگی در منظومه فکری ابن عباس شناخته می‌شود؛ مثلاً کفران نعمت و انکار احسان شوهران باعث می‌شود، سرانجام سختی در انتظار زنان باشد؛ چنان‌که پیامبر اکرم (ص) در شهود خویش دیدند که بیشتر دوزخیان همین زنان ناسپاسند (مالک، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۸۶)؛ آن‌ها که خدمات شوهر خود را نادیده می‌گیرند و یک بار که چیزی خلاف میل‌شان بود می‌گویند هرگز خیری از هم‌سر خود ندیده‌اند (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۳).

از خود ابن عباس گفتارهایی دیگر نیز نقل شده که بازتاباننده همین روحیه سپاس‌گزارانه است؛ مثلاً روایت شده است که وی می‌گفت لطف آن که بر من ابتداء سلام کند یا به نشانه احترام جایی برای نشستم در مجلس بگشاید یا برای رفع حاجت من بر تنش غبار نشیند، چنان بزرگ است که نمی‌توانم قدرشناس آن باشم (ابن قتیبه، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۹۷). برپایه روایتی دیگر، حق‌گزاری مصاحبت دوستان از نگاه او چنان مهم است که می‌گوید محبوب‌ترین شخص پیش او کسی است که حاضر به مجالست با او شده باشد (زبیر بن عدی، ۲۰۰۴، روایت شماره ۳۷).

جلوه دیگر خودبینی از نظر ابن عباس خودنمایی است. خودپسندی انسان را به نابودی می‌کشاند (بزار، ۱۹۹۸، ج ۸، ص ۲۹۵). وی نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمودند: خدا به کسی که لباس‌هایی متفاخرانه بپوشد، نظر نمی‌کند

(احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۳۲۲). وی می گوید یک بار که پیامبر اکرم (ص) انگشتی به دست کرده بودند؛ اصحاب را دیدند که به زیبایی آن خیره می شوند و از تأمل در گفته ایشان باز می ماند؛ از این رو، آن را کنار گذاشتند (همان جا). همچنین، نقل می کند پیامبر (ص) فرمودند: هر که در حضورش مؤمنی را متکبرانه تمسخر کنند و او نیز بخندد، نامه عمل خود را سیاه کرده است (ابوداود، ۱۴۱۴، ص. ۲۹۶). ابن عباس حتی می گوید که پیامبر (ص) از خوردن غذایی که برای تفاخر آماده شده است، نهی کرده اند (ابوداود، بی تا، ج ۳، ص. ۳۴۴). متقابلاً، وی رفتارهایی متواضعانه را ترویج می کند؛ مثلاً می گوید اگر کسی سلام کرد باید پاسخش گفت؛ هر چند آتش پرست باشد (ابن ابی دنیا، ۱۴۱۰، ص. ۱۷۷). البته وی با نقل شیوه رفتار پیامبر (ص) تأکید می کند این رفتار متواضعانه نباید صورتی به خود گیرد که دیگران حمل بر ضعف یا کسالت فرد کنند (ابوالشیخ، ۱۹۹۸، ج ۲، ص. ۳۴).

یک شکل دیگر خودنمایی ریاکاری است. به اعتقاد ابن عباس، هر کس کاری را به قصد شهرت پیش مردم باز گوید رسوای قیامت خواهد بود؛ خدا روز قیامت به ریاکاران می گوید بروند و مزدشان را از کسی بگیرند که برایش کار کرده اند (بیهقی، ۱۴۲۳، ج ۹، ص. ۱۶۳). ابن عباس نقل می کند که پیامبر (ص) فرمودند: خدا در دنیا نیز راز ریاکاران را هویدا می کند (مسلم، بی تا، ج ۸، ص. ۲۲۳). همچنین، می گوید هم چنان که شتاب در کار خیر برای جلوگیری از کاهش اجرش لازم است، به چشم حقارت نگریستن به آن و پنهان داشتنش از چشم دیگران هم ضروری است (ابن قتیه، ۱۴۱۸، ج ۳، ص. ۱۹۸). این گونه، می توانیم در مقام جمع بندی بگوییم عمده توجه ابن عباس به رذائل و گناهان فکری همان ها است که در تقابل با فروتنی فکری واقع می شود (برای تبیین مفهوم فروتنی فکری و شاخصه های آن، نک. میراحمدی، ۱۴۰۰ ش، ص. ۶۹).

۱-۴. زهد یا خویشن داری از امور حلال

ابن عباس برای دست یابی فرد به تقوا بعد از توصیه به کف نفس از امور حرام، به دوری گزینی از لذت های حلال یا همان زهد فرامی خواند و می گوید: هر کس به خاطر خدا زیوری را وانهد، خدا او را از جامه های فاخر بهشتی که در جامه دان های یاقوت نگه داری می شود خواهد پوشاند (ابن ابی دنیا، ۱۴۰۹، ص. ۱۹۷). وی فقر در دنیا را برای غنا در آخرت ضروری می داند و معتقد است روز قیامت، فقرا در رفتن به بهشت از اغنیاء پیشی خواهند گرفت. وی از قول پیامبر (ص) نقل می کند که روز قیامت، سیرترین مردم دنیا گرسنه ترین، و ثروتمندترین مردم دنیا فقیرترین هستند (طبرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص. ۲۶۷)؛ نیز، نقل می کند که روز قیامت وقتی مُتَعَمَّن به مصیبت زدگان و پادشاه های شان می نگرند، آرزو می کنند کاش گرفتار دردناک ترین بلاهای دنیا بودند (نک. ابن زیبر، ۱۴۲۳، ص. ۱۱۱).

ابن عباس داستانی را از قول پیامبر (ص) نقل می کند حاکی از آن که محاسبه مال فقیران روز قیامت بسی سریع به پایان می رسد؛ اما ثروتمندان حتی اگر از راه حلال کسب مال کرده باشند، بسی معطل دادرسی خواهند شد

(احمدبن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۴). وی از پیامبر (ص) نقل می کند که اکثر بهشتیان از فقیران هستند (معافی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۵؛ احمدبن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۴). نه تنها فقر، بلکه لوازم آن مثل حزن حاصل از این ناداری نیز مطلوب است؛ حزن چراغ دل است و برای داشتن حُزن باید گرسنه و تشنه بود (طبرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۲۶۷). کسی که با مرگ از غم و اندوه دنیا خلاص شود، به راحتی رسیده است و مُرده رستین را در میان زندگان باید جُست (دیلمی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۴۲۰). این گونه، کار اهل بهشت به آن می ماند که از راه سختی بر تپّه بلندی روند؛ اما جهنمیان گویی زمینی هموار پیموده اند (احمدبن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۷).

با این همه، رویکرد کلی او هرگز نفی تلاش و کوشش در کار معیشت نیست. وی تصریح می کند بدون زحمت، موفقیتی حاصل نمی شود و زشت است که مرد به تبلی خود اعتراف کند (ابن ابی شیبّه، ۱۴۲۰، ص ۲۴۹). مسئله آن است که درهم و دینار سبب نشوند افراد از آخرت غافل مانند (نک). ابن بابویه، ۱۴۱۷، ص ۲۶۹؛ زیرا مشکل خو کردن به نعمت های دنیا همین است که پایان ندارد و چنان که وی از قول پیامبر (ص) نقل می کند، اگر به آدمی زاده یک وادی پر از مال دهند، باز می خواهد که همان قدر بیش تر داشته باشد (ابن راهویه، ۱۴۲۳، حدیث ۹۳۴؛ احمدبن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۷۰).

نتیجه همان می شود که ابن عباس به نقل از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده است: آن که دغدغه مال دنیا دارد به بیش از روزی نهاده نمی رسد؛ ولی همواره خود را نادار خواهد انگاشت و جمعیتِ خاطرش بدل به پراکندگی خواهد شد. کسی نیز که نسبت به آخرت حریص باشد و زهد ورزد، دنیا خودش فرمانبردارانه نزد او خواهد آمد (نک). خلیفه بن خیاط، ۱۴۰۵، ص ۴۸. فراتر از این، با هر سختی گشایش است (احمدبن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۷)، با هر تنگ دستی روزی فراوان از جایی به شخص می رسد که گمان نمی برد (همان، ج ۱، ص ۲۴۸) و خود همین انتظار گشایش عبادت است (قاضی قضاعی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۳).

در روایات ابن عباس تأکید می شود که پیامبر اکرم (ص) خود نیز چُنین زهدی در پیش گرفته بودند. وی نقل می کند روزی پیامبر (ص) بر حصیری خفته و پهلویش رنجیده بود. کسی گفت کاش تُشک نرم تری داشتید. پیامبر (ص) پاسخ داد من و دنیا را کاری با هم نیست؛ مسافری هستم که ظهر یک روز تابستان ساعتی در سایه سار دنیا می آرامم و از آن درمی گذرم (احمدبن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۱). وی نقل می کند یک بار دیگر نیز پیامبر (ص) فرمودند این دنیا و هر چه در آن هست، مرا خوشنود نمی کند و برایم بی ارزش است (همان، ج ۱، ص ۲۵۹، ۳۲۹).

بر پایه روایات ابن عباس، فرشته ای پیامبر اکرم (ص) را میان پادشاهی و بندگی مخیر کرد و او بندگی را برگزید. این گونه، تا زمان مرگ هرگز هنگام خوردن، شاهانه بر بالش تکیه نزد (ابن مبارک، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۴)، همواره متواضعانه بر زمین نشست و طعام خورد و از هم غذایی با بردگان ابا نکرد (ابن ابی دنیا، ۱۴۰۹، ۱۴۳)؛ شب های متوالی

را گر سَنَه به صَبح ر سَاند و خانوادہ اش اَغلِب نَانِ جُویِن هَم نیافتند (احمدبن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۵). پیامبر (ص) نه تنها هیچ دینار، درهم و بنده‌ای به ارث نگذاشت (احمدبن حنبل، ۱۴۲۰، ص ۸) که حتی وقتی از دنیا رفت زره‌اش برای قُوتِ خانوادہ نزد یک یهودی گِرو بود (احمدبن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۶).

ابن عباس فراتر از تشویق به زهدورزی در امور مادی زندگی، دیگر مظاهر دوری جویی از دنیا مثل خزیدن به کنج عزلت و دوری از شهرت و قدرت را نیز می‌پسندد. او از پیامبر (ص) نقل می‌کند که ارتباط با اصحاب قدرت را خوش نداشتند (همان، ج ۱، ص ۳۵۷). همچنین، روایت می‌کند که پیامبر (ص) به کسی فرمودند: بهترین جایگاه از آن کسی است که در دره‌ای از دره‌ها خدا را عبادت می‌کند و زکات می‌دهد و مردم از شرش در امان هستند (ابن مبارک، بی تا، ص ۱۵۹). ابن عباس به طبع نزدیکی به امیران و قدرتمندان را هم خوش نمی‌دارد. از پیامبر (ص) یاد می‌کند که فرمودند برخی با خود می‌گویند نزد امیران شویم، از دنیاشان برخوردار گردیم و البته خواهیم کوشید که دین خود را هم بداریم. آن‌ها نمی‌توانند چنین کنند؛ هم چنان که شخص نمی‌تواند پیش بوته خار برود و خار آلوده نشود (ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۱۷۱).

۲. توجه به سنت‌ها

در آثار ابن عباس توجهی ویژه به سنت‌ها می‌توان یافت؛ خواه آن زمان که رفتاری را هم‌چون سنت پیامبر اکرم (ص) باز می‌نمایاند؛ خواه آن زمان که با سنت‌هایی اجتماعی مخالفت می‌ورزد؛ و خواه آن زمان که بر سنت‌های اجتماعی نیکو تأکید می‌کند.

۲-۱. اهمیت سنت نبوی

ابن عباس معتقد است انسان باید روشی شایسته در زندگی، دین‌داری‌ای خوش‌منظر و رفتاری میانه‌روانه داشته باشد (وکیع، ۱۴۰۴، ص ۵۹۵؛ احمدبن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۶). وی این هرسه را در شیوه رفتاری پیامبر (ص) می‌جوید و می‌خواهد با یادکرد رفتارهای ایشان در موقعیت‌های مختلف، الگویی برای سبک زندگی باز نماید. اهمیت سنت‌های نبوی از نگاه ابن عباس چنان بوده که خود می‌گوید سراسر عمر برای شناخت آن‌ها کوشیده است (نک. طيالسی، ۱۴۱۹، ص ۳۴۳؛ احمدبن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۹). در اقوال او به وفور می‌توان گزارش‌هایی از شیوه پوشش (احمدبن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۷)؛ نوشیدنی‌های محبوب (همان، ج ۱، ص ۳۵۰)، نحوه رفتار پیامبر (ص) با خویشان (همان، ج ۱، ص ۳۱۸) یا هرچه از این دست دید.

او مراعات سنت نبوی را دستور قرآنی می‌شناسد (شافعی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۱۱۸۸-۱۱۸۹). می‌گوید اساساً برخی رفتارهای پیامبر (ص) مثل مشاوره با اصحاب (نک. آل‌عمران / ۱۵۹) نه برای رفع نیاز فکری ایشان، که برای آموزش رفتار صحیح به مسلمانان بود (ابن عدی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۵۴۴). براین پایه، گرچه باور دارد خدا ضمانت

کرده است هر که به قرآن عمل کند راه خطا در دنیا و آخرت نرود (نک. ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۳۶)، التزام به قرآن را بدون پای بندی به سنت نبوی ناممکن می داند؛ زیرا قرآن (الاحزاب / ۳۶) می گوید هر گاه پیامبر (ص) تصمیمی گرفت، مؤمنان انتخاب دیگری ندارند (شافعی، ۱۳۵۷، ص ۴۴۳). حتی در اموری مثل شیوه پذیرایی زائران در ایام حج کوشش دارد به سفارش های پیامبر (ص) پای بند بماند (مسلم، بی تا، ج ۴، ص ۸۶).

توصیه او به گزاردن آیین های عبادی طبق الگوی رفتاری پیامبر (ص) و وانهادن دیگر شیوه های مرسوم، بالحنی آمرانه و جدی تر (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۵۲) یا حتی با تهدید مخالفان (عبد بن حمید، ۱۴۰۸، ص ۲۰۲) همراه می شود. او پای بندی به عبادات و مستحباتی غیر سنت نبوی را مایه گمراهی می داند (شافعی، ۱۳۵۷، ص ۴۴۳). گاه که نهی پیامبر (ص) از برخی رفتارهای مخالف سنت ایشان مثل إخصاء را یاد آور می شود (نک. ابویعلی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۷۶)، ریشه اش را در خود قرآن می جوید (نک. مجاهد، بی تا، ص ۵۰۰)؛ و نیز به یاد می آورد پیامبر (ص) ضمام بن ثعلبه را وعده نیک فرجامی دادند؛ چون در امر دین بی کم و زیاد مطابق سفارش های ایشان عمل می نمود (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۰).

وی معتقد است نابودی سنت نبوی موجب ایجاد بدعت ها در دین می شود (نک. ابن وضاح، ۱۴۱۶، ص ۸۳). این بدعت ها دیر یا زود افراد را به جهنم خواهد کشاند (نک. احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۵، ۲۱۸، ۲۵۱) و خدا هم هرگز عمل صاحبان بدعت ها را نمی پذیرد؛ مگر توبه کنند (ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۵). حتی فراتر از بدعت پنداشتن هر گونه تغییر در سنت نبوی، گفتاری به پیامبر (ص) منتسب می کند که بر پایه آن بدعت گذاران مستحق کشتن هستند (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۳). یک جا نیز خود بر کسانی که سنت تلبیه را دیگرگون کرده اند لعنت می فرستد (همان، ج ۱، ص ۲۱۷).

از نگاه ابن عباس، بارزترین مصداق بدعت گذاری، رفتارهای تندروانه دینی است. نقدهای مکرر وی بر آنان که چنین رفتارهایی دارند (طیالسی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۴۰۷؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۵)، گاه با سفارش به پیروی از سنت نبوی همراه شده است (همان، ج ۱، ص ۲۱۷)؛ گویی از نگاه او این افراط و تفریط ها نشانه دوری از سنت است. وی می گوید زمانی که با نزدیکی آخر زمان، همگی رفتارهای فاسدانه پیش گرفتند، یگانه راه هدایت پای بندی به سنت نبوی است و هر که چنین کند اجر شهید می برد (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۱۱۸).

۲-۲. سنن عبادی و بهداشتی

از جمله سنت های نبوی که ابن عباس در سلوک فردی تأکید ویژه ای بر آن ها دارد، آداب عبادات با خداست. سبب تأکید او بر عبادات همین است که مانع غفلت می شوند. به باور او انسان به گونه ای آفریده شده که در معرض غفلت و در نتیجه، آلودگی به زشتی هاست. شیطان نیز او را همراهی و وسوسه می کند (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۷).

و به هنگام غفلتش این و سو سه به راحتی صورت می گیرد (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۳۵). شیطان می خواهد بر قلب فرزندان آدم تسلط یابد؛ اما اگر انسان به یاد خدا مشغول شود شیطان باز خواهد ماند (مجاهد، بی تا، ص ۷۶۲).

به نظر ابن عباس، انسان باید هر ساعتی از شبانه روز خواه در شادی، خواه در سختی به ستایش خدا پردازد (ابن ابی دنیا، ۱۴۱۸، ص ۸۲). این عهدهی است که خدا از همگان پیش از آفرینش ستانده است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۴۵۷) و دشواری های زندگی روزمره هم نباید مانع آن شوند (سیوطی، بی تا، ج ۵، ص ۵۲). به باور وی، بهترین شیوه برای ستایش خدا بهره جویی از نماز و روزه است. او می گوید خداوند نماز را محبوب دل ها کرده است؛ پس باید شخص هر چه می تواند نماز بخواند و از آن بهره گیرد (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۵). در توضیح «باقیات صالحات» (مریم: ۷۶) هم از وی نقل کرده اند امر شایسته ای که فرد از خود به جا می گذارد، نمازهای پنج گانه و تسبیحات اربعه است (یحیی بن سلام، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۴۰).

وی تصریح می کند که نماز و روزه پایه های دین داری است. به باور او هر کس یکی از آنها را ترک بگوید کافر و خونس حلال است (ابویعلی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۳۶؛ برای بازتاب همین بینش در مذاهب فقهی عامه مسلمانان، نک. شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۸۹-۶۹۰) و بی نماز بهره ای از اسلام نمی برد (صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۲۵). وی چنان برای نماز اهمیت قائل است که بر اساس درکی که از گفتار پیامبر (ص) درباره اهمیت نماز دارد، در آخرین ماه های عمر خود حاضر نمی شود برای معالجه چشمانش به کارهایی تن دهد که لازمه اش ترک نماز است (نک. سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۸). با این همه، وی معتقد است همین نماز اگر فرد را از گناه دور نکند، خود عامل دوری از خداست (طبری، ۱۴۲۲، ج ۲۰، ص ۱۸۹؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۰).

دیگر عبادتی که ابن عباس بر آن تأکید ویژه دارد، روزه است. با وجود آن که فراتر از ماه رمضان تنها به استحباب روزه عاشوراء (دهم محرم) معتقد بود و می گفت پیامبر (ص) سفارش به روزه مستحب دیگری ننموده اند (شافعی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۶۱۰؛ برای تنوع دیدگاه ها در عصر صحابه درباره روزه عاشوراء نک. مهرش، ۱۳۹۶، ۶۵-۶۸)، خود روزهای دوشنبه و پنجشنبه از هر ماه را روزه می گرفت و می گفت اعمال انسان در این دو روز بالا برده، و به خدا عرضه می شود (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۵۲).

دسته دیگری از شیوه های رفتاری پیامبر اکرم (ص) که ابن عباس به حفظ آنها توصیه می کند، سنت هایی است که به نظر می توان مجموع آنها را ذیل عنوان مسائل بهداشتی طبقه بندی کرد. به نظر می رسد وی مراعات این قبیل سنت ها را نیز برای دوری از شیطان ضروری می داند. وی با نقل گفتاری از پیامبر (ص) انقطاع وحی را نتیجه این می شناساند که صحابه در بهداشت ناخن و اصلاح ریش و زدودن چرک انگشت کوتاهی کرده اند (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۳).

از جمله سنت های بهداشتی پیامبر اکرم (ص) که ابن عباس یاد می کند، می توان مسواک زدن (همان، ج ۱، ص ۲۳۷)، مضمضه آب در دهان پس از خوردن شیر (ابوالولید باجی، ۱۳۳۲، ج ۷، ص ۲۴۷)، نذمیدن در ظرف غذا (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۰، ۳۰۹)، حجامت (همان، ج ۱، ص ۲۴۹)، و سرمه کشیدن چشم برای تقویت بینایی و رشد مژگان (ثوری، ۲۰۰۴، ص ۵۱) را یاد کرد. وی ضرورت کوشش برای حفظ سلامتی را نیز به گفتارهای پیامبر (ص) مستند می کند و برپایه آن گفتارها سلامتی را نعمتی ضروری برای قیام به وظائف دینی می شناساند و می گوید که پیامبر (ص) فرمودند: باید سلامتی و توانایی را پیش از آن که دیر شود غنیمت شمرد (ابن ابی دنیا، ۱۴۱۷، ص ۸۹)؛ همگی باید روز قیامت پا سخ دهند که سلامتی خود را صرف چه چیز کردند (زبیر بن عدی، ۲۰۰۴، روایت شماره ۴۳)؛ و البته، اغلب مردم تنها وقتی سلامتی را ارج می نهند که از دستش بدهند (ابن مبارک، بی تا، ج ۱، ص ۱).

۲-۳. مقابله با سنن جاهلی

رؤیۀ دیگر سنت گرایی ابن عباس را در کوشش های او برای نشر روایاتی نبوی می توان دید که در آن ها با سنت هایی پیشااسلامی مقابله می شود؛ سنت هایی که نوعاً در آن ها می توان رسوباتی از منش های غیراخلاقی منسوب به دوره جاهلیت را بازشناخت. برجسته ترین نمونه از این قبیل، روایات او در نفی نگرش های منفی به دخترداری است. او از پیامبر (ص) نقل می کند هر که دخترش را زنده به گور نکند، با احترام و بی خوارداشت پیرورد و پسران خود را بر او برتری ننهد، به خاطر همین رفتارش بهشت خواهد رفت (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۳). شبیه همین مضمون از قول وی برای خرجی دادن فرد به خواهرش نیز روایت شده است (ابن مبارک، ۱۴۱۱، ص ۱۵۲).

برپایه روایات ابن عباس، از دیگر سنت های پیشااسلامی که پیامبر (ص) از آن بازداشت، رفتارهایی بود که از برتری جویی قبیله ها برمی خاست؛ مثلاً، رسم بود که از دو قبیله هریک اعتبار و نفوذ اجتماعی بیش تری داشته باشند، بتوانند خون بهای بزرگ تری برای کشتگان طلب کنند. ابن عباس گزارش می دهد که پیامبر (ص) این رسم را برانداخت (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، صص ۲۴۶، ۳۶۳). نمونه دیگر از این قبیل سنت ها که برپایه روایات ابن عباس، پیامبر (ص) با آن درافتاد، بست نشینی قاتلان در حرم بود. پیش از اسلام اگر کسی دیگری را در مگه می کشت و به کعبه پناه می آورد، متعرض او نمی شدند و حتی صاحب خون بها او را «صروره» یعنی مثل مرغ حرم (نک. ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۲؛ نیز، نک. زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۸۷) درمی نگریست. ابن عباس نقل می کند پیامبر (ص) فرمودند صروره ای در اسلام پذیرفته نیست (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۲)؛ یعنی باید قاتل را قصاص کنند.

سنت جاهلی دیگر که ابن عباس نهی پیامبر (ص) از آن را یاد می آورد، فروگاهی شأن صاحبان برخی مشاغل است. در برابر روایات برخی صحابه که می گفتند پیامبر (ص) حجامت را شغلی نا شایسته می انگاشت یا مثلاً چون

غلامی به خاله‌اش هدیه داد، به او امر کرد که غلام را به رخت شویی، حجامت و زرگری واندارند (برای نمونه، نک. ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۵۷)، ابن عباس می‌گوید که پیامبر (ص) خود نیز حجامت نمود و د ستمزد حجام را داد و می‌افزاید که اگر پیامبر (ص) از چُنین شغلی کراهت داشت، چُنین نمی‌کرد (احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۴).

از میان دیگر نمونه‌های مبارزه ابن عباس با سنت‌های جاهلی از طریق ترویج سنت پیامبر (ص)، باید به روایات نبوی او در نهی از «استقسام بالازلام» (المائده/۳) اشاره کرد (احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۵). رسمی بازمانده از دوره پیشا اسلامی که با ده تیر قرعه بکشند و بسته به این که چه تیری به هر کس بیفتد، به نفع یا ضررش حکمی کنند (نک. ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۳، صص ۳۴۴-۳۴۵). نمونه مهم شایان توجه دیگر، حکایت مبارزه پیامبر (ص) با اعتقاد معاصران شان به پیوند خسوف و کسوف با مرگ و زندگی افراد است (مالک، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۸۶). آخرین مثال از این قبیل، روایات نبوی او درباره خودآرایی زنان (ابوداود، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۴۶) یا تشبیه افراد به جنس مخالف است (احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۱، صص ۲۲۴، ۲۵۴).

با این همه، نگاه وی به سنت‌های پیشا اسلامی، نفی کلی آن‌ها نیست؛ مثلاً، در سخن از پیمان‌های بزرگ قبیله‌ای که در گذشته‌های دور میان قبائل مختلف بسته شده‌اند و به نحوی ضامن امنیت مردم و برقراری عدالت اند، نگاه صیانت‌گرایانه دارد. او از قول پیامبر (ص) نقل می‌کند که هیچ پیمانی در دوره جاهلیت میان قبائل مختلف بسته نشد، مگر آن که اسلام آن را تقویت کرد (نک. همان، ج ۱، ص ۳۱۷).

۳. اصول تعامل با عموم

بر پایه آثار ابن عباس، در تعاملات اجتماعی، توجه به ارزش انسان‌ها مهم‌ترین اصل است. وی ریختن خون، از بین بردن اموال و حقوق بیت‌المال و بردن آبروی مؤمن را سخت می‌نکوهد و می‌گوید پیامبر (ص) چندین بار تأکید نمود که خون و مال و آبروی انسان همانند روز نحر از ماه ذی‌الحجه قداست و حرمتی ناشکستنی دارد (نک. احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۱، صص ۲۳۰، ۳۲۴). نقل می‌کند پیامبر (ص) فرمودند: انسان‌ها باید نیاز خویش را فقط از خدا بخواهند و از غیر او یاری نجویند (همان، ج ۱، ص ۲۹۳)؛ سخنی که آن را نیز باید نوعی تأکید بر ارزش ذاتی انسان‌ها انگاشت. گفتار دیگر ابن عباس را نیز در چارچوب همین تأکید بر ارزش انسان‌ها می‌توان تفسیر کرد؛ آن‌جا که می‌گوید هرگز نخواهم توانست قدردان فرد گرفتاری باشم که بیندیشد از میان همگان من می‌توانم گره از کارش بگشایم (ابن قتیبه، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۹۷). وی مراعات حق الناس را چنان مهم می‌انگارد که می‌گوید هر که در مبارزه با ستمی که بر خودش یا دیگران رفته است، کشته شود، شهید است (احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۵).

۳-۱. اهمیت حق الناس

باور ابن عباس به برخورداری انسان‌ها از ارزش ذاتی موجب شده است که اصراری ویژه بر لزوم مراعات حق الناس داشته باشد. بارزترین جلوه ارزشمندی انسان حرمت خون اوست. ابن عباس ریختن خون انسان‌ها را مانع رستگاری می‌داند و می‌گوید که توبه قاتل پذیرفته نمی‌شود (ثوری، ۱۴۰۳، ص. ۹۶). وی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمودند: نخستین دادرسی قیامت خون‌های به ناحق ریخته شده است (ابن طهمان، ۱۴۰۳، ص. ۹۷)؛ و اگر اهل آسمان و زمین با هم کسی را به قتل رسانند، این همکاری سبب نخواهد شد که از عذاب خدا وارهند (خیثمه، ۱۴۰۰، ص. ۷۱)؛ حتی خون فرزندان مشرکان نیز از نظر ایشان محترم است (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۲۴۸). وی در روایت دیگری می‌گوید: آنان هم که می‌ایستند و اعدام ظالمانه بی گناهی را می‌نگرند و از او دفاعی نمی‌کنند، ملعونند (ابن ابی عاصم، ۱۴۰۷، ص. ۱۹) و باید منتظر عذاب سختی باشند (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۲۴۰).

جلوه دیگر از اهمیت حق الناس در نگاه ابن عباس را می‌توان در نهی او از تضييع حقوق انسانها دید. در آثار وی چنین عملی بسیار قبیح و موجب عواقب اخروی هولناک شناخته می‌شود (همان، ج ۱، ص. ۲۳۰). آزار به دیگران، فرد را از رحمت خدا دور می‌کند: هر که برای قضاء حاجت خود مکانی برگزیند که موجب آزار دیگران شود (همان، ج ۱، ص. ۲۹۹) یا کسی که متعمدانه اشخاص را به مسیر اشتباهی راهنمایی کند (همان، ج ۱، ص. ۲۱۷)، ملعون است. سخن چینی که میان دو ستان جدایی اندازد شخص را دچار عذاب قبر (همان، ج ۱، ص. ۲۲۵) و بیچارگی روز قیامت (وکیع، ۱۴۰۴، ص. ۷۶۴) می‌کند. وی حتی درباره بی توجهی‌های اندک به حقوق دیگران هم هشدار می‌دهد؛ برای نمونه، از قول پیامبر (ص) می‌گوید که نباید اشخاص در حضور فردی نجوا، یا موقع ورود به جمعی صحبت ایشان را قطع کنند؛ زیرا چنین کاری موجب رنجش می‌شود و خدا آزار مؤمنان را خوش نمی‌دارد (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۷، ص. ۱۵۳؛ ابویعلی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص. ۳۳۲).

از میان مصادیق مختلف تضييع حقوق، وی بر تضييع حقوق مالی تکیه ویژه دارد و از پیامبر (ص) نقل می‌کند هر که در این دنیا مال مردم را بخورد، خوراکش در آن دنیا مردار است (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۲۵۷)؛ یا هر کس خود را به فردی جز پدرش منتسب دارد (تا به سودی هم چون ارث یا قدرت اجتماعی برسد)، ملعون خدا و همه فرشتگان است (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۵، ص. ۲۸۳). وی با نقل روایاتی، همچنین، بر این تأکید می‌کند که عواقب چنین ظلمی منحصر به عذاب قیامت نیست و انتقام مظلومان در همین دنیا گرفته خواهد شد: ناله دعای تظلم خواهان به اجابت مقرون است (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۲۳۳) و فراتر از آن، سنت خدا نیز چنین است که اگر کوهی در این دنیا به کاهی ستم رساند، ظالم را درهم بکوبد (ابن ابی دنیا، ۱۹۸۸، ص. ۵۴).

بر پایه روایت وی از پیامبر (ص)، هر کس مال دیگری را به زور یا خود ببرد یا کس دیگری را بگمارد که چنین

کند، با امت پیامبر (ص) محشور نخواهد شد (طبرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۲، ص ۱۰۷)؛ هر لقمه حرامی وارد بدن فرد شود، عباداتش تا چهل روز نامقبول است (همو، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۳۱۰) و اگر گوشت بدنش از مال حرام برآید، راه بهشت نخواهد یافت (همو، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۲۱۷). رواج تضييع حقوق در سطح جامعه نیز موجب تسريع در عقوبت دنیوی می شود. وی گفته است: پای بندنبودن به کیل و پیمان روزی را قطع می کند (مالک، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۶۰) و همین دلیل هلاکت امت های پیشین بوده است (طبرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۲۱۴).

برهمن اساس، روایات متعددی از وی می توان در توضیح شیوه صحیح و عادلانه تجارت یافت؛ چنان که طرفین معامله هیچ یک زیان کار نشوند (برای نمونه، نک. احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۵۷؛ طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۱۱). او افزون بر نهی از برخی معاملات نامشروع، مثل خرید و فروش مُسکرات یا لوازم تولید آن ها (مالک، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۸۴۶؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۰)، حتی برخی معاملات ظاهراً حلال مثل دلالتی و واسطه گری را می نکوهد و معامله با صاحبان چُنین شغلی را مکروه می شناسد (نک. همان، ج ۱، ص ۳۶۸). این گونه، طلب روزی حلال را کاری دشوار و مصداق جهاد در راه خدا می داند (قاضی قضاعی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸۳).

مصادق مهم دیگر از تضييع حقوق مردم در روایات ابن عباس حکم رانی نالایقان و دوری از عدالت است. وی می گوید: وقتی کسی را بر امری گمارند که لایق تر از او در میان مردم وجود دارد، به حق مردم تعرض کرده اند (عقیلی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۴۷). قضاوت بی تحقیق نیز که گاه ممکن است به صدور حکم کُفر بر مسلمانی بینجامد، مصداق دیگر حکم رانی ناشایسته است (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۹). وی نقل می کند که پیامبر (ص) فرمود نماز پیشوایی که مردم او را ناخوش می دارند، پذیرفته نیست (ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۱۱۵)؛ همچنین، نقل می کند وقتی پدرش، عباس، در جنگ بدر اسیر شد، پیامبر (ص) به او هم چون اسیری عادی نگریست و پیوند خویشاوندی سبب نشد از عدالت بازماند (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۵۵). عدالت از نگاه ابن عباس چنان مهم است که یکی از ویژگی های مثبت رفتار خود را خوشنودی به حکم قاضیان عادل می داند؛ هر چند قضاوت شان سودی برای او به هم راه نیاورد (ابو عبید، ۱۴۱۵، ص ۱۰۲).

توجه به حقوق شوهران هم از توصیه های مؤکد ابن عباس است. وی از پیامبر (ص) نقل می کند بهترین مرد کسی است که در خانواده اش بهترین منش را نشان دهد (ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۱۴۸). باین حال، با استناد به آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (النساء: ۳۴)، مردان را امیر بر زنان خود می داند (طبری، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۸۲) و به ایشان می سپارد که تازیانه را پیش چشم خانواده بیاویزند (صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۴۴۷)؛ زیرا خانواده با هدایت مردشان حریم ادب را بازمی شناسند (طبرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۲۸۴). در همین فضای فکری از پیامبر (ص) نقل می کند: زنی که شوهر خود را بیازارد، نمازش مقبول نیست (ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۱۱۵). وی نا سپاسی شوهران را اصلی ترین دلیل ورود زنان به

دوزخ برمی‌شمارد (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص. ۱۳) و می‌گوید: اکثر دوزخیان را به‌همین سبب، زنان تشکیل می‌دهند (احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص. ۲۳۴).

۳-۲. التزام به حُسن خُلق

ابن عباس هم‌زمان با تأکید بر ارزش انسان‌ها و حقوق‌شان، رفتارهای خاصی را نیز در تعاملات اجتماعی توصیه می‌نماید؛ رفتارهایی هم‌چون حُسن خلق با مردم و آسان‌گیری در تعاملات اجتماعی. به اعتقاد وی، برترین افتخار خوش اخلاقی است (بخاری، ۱۴۱۹، ص. ۴۸۵)؛ اخلاقِ نیکو، هم‌چون آبی که یخ را ذوب کند، گناهان را می‌زداید؛ چنان‌که اخلاق بد نیز مثل سرکه‌ای که عسل را بگنداند، کارهای نیکو را از میان می‌برد (نک. طبرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص. ۳۱۹). وی در تأکید بر ارزش اخلاقِ نیک می‌گوید: پیامبر (ص) فرمود: جرعه‌ای نزد خدا محبوب‌تر از خشمی که فروبرده شود نیست و هر که چُنین جرعه‌ای نوشد، خدا درویشش را سرشارِ ایمان خواهد کرد (ابن راهویه، ۱۴۲۳، ص. ۹۰۲). برهمین اساس می‌گوید کسی که بر دشمنش دست یابد و او را ببخشد و آن‌که هنگام خشم درنگ نماید مشمول محبت خدا خواهند شد (حاکم، ۱۴۱۱، ج ۱، ص. ۲۱۴).

ابن عباس معتقد است نه تنها باید خشم خود را فروخورد که باید با عموم مردم رفتاری آسان‌گیرانه و باگذشت پیشه کرد. وی می‌گوید خدا تنها بر کسی آسان می‌گیرد که نسبت به دیگران اهل تسامح باشد (احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص. ۲۴۸). آسان‌گیری از دید او چنان مهم است که می‌گوید روز قیامت اهل گذشت را جداگانه فرامی‌خوانند و پاداش می‌دهند و بهشت می‌برند (عمر بن احمد، ۱۴۲۴، ص. ۱۴۹). در عرصه سیاسی نیز کسی باید سرپرستی امت را بر عهده گیرد که بتواند چُنین گذشتی نشان دهد (احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص. ۲۸۹). مردمان هم اگر از حاکم خود ناخوشی دیدند، باید بنایشان بر تحمل و گذشت باشد (همان، ج ۱، ص. ۲۷۵)؛ حتی در عرصه خصومت دولت‌ها نیز تا می‌شود جانب آسان‌گیری را باید گرفت؛ چنان‌که پیامبر (ص) هرگز پیش از مذاکره با قومی آهنگ جنگ با آن‌ها نکرد (همان، ج ۱، ص. ۲۳۱، ۳۱۹). در خصوص کارهای فرهنگی مثل تعلیم و تربیت نیز معتقد است که باید همین تسامح و گذشت را در مقام آموزش به متعلمان باز نمود و سخت نگرفت؛ مبدا کسی دل‌زده یادگیری را وانهد (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۷، ص. ۱۵۳). او می‌گوید پیامبر (ص) نیز گروهی را برای آموزش قرآن به جایی گسیل داشت و به همین امرشان فرمود (همو، ۱۴۱۹، ص. ۷۴۳).

فراتر از فروبردن خشم و آسان‌گیری، رفتار محبت‌آمیز با مردم نیز در آثار ابن عباس دارای ارزش ویژه‌ای است. او می‌گوید پیامبر (ص) با دیگران خوش‌رو بود و مزاح می‌کرد (ابوالشیخ، ۱۹۹۸، ج ۱، ص. ۴۸۷). به باور وی، بعد از گزاردن فرائض، عملی نزد خدا محبوب‌تر از شاد کردن مسلمان نیست (طبرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص. ۷۱). در گفتار وی توصیه به مهربانی با کوچک‌ترها (احمدبن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص. ۲۹۷) و مراعات حرمت بزرگ‌ترها، خاصه والدین،

(همان، ج ۱، ص ۲۱۷) سفارشی مکرر شده است. ابن عباس از پیامبر (ص) نقل می کند کسی که این حرمت ها را نگزارد مسلمان نیست (عبد بن حمید، ۱۴۰۸، ص ۲۰۲)؛ نیز نقل می کند خدا با هر نگاه محبت آمیز به مادر یا پدر پاداش حجی شایسته می دهد؛ حتی اگر چنین رفتاری روزانه صد بار تکرار شود (ابن ابی دنیا، بی تا a، ص ۷۴). چنان که می توان در چنین چارچوب فکری انتظار داشت، بر صله رحم نیز در روایات ابن عباس تأکید فراوان رفته (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۳۶؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۱؛ ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۱۱۵؛ طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۳۷۸)، و چنین رفتاری موجب طول عمر و افزایش رزق دانسته شده است (طبرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۳۰۷).

باید افزود ابن عباس تو صیه به چنین حسن خلقی را صرفاً با ذکر مصادیق دنبال نکرده، و با تلقی تواضع هم چون یکی از ویژگی های اخلاقی برجسته برای انسان (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۵) و رفتاری پیامبرانه (ابن مبارک، بی تا ب، ص ۲۶۴) مبنایی شناختی^۱ برای التزام به چنین رفتاری باز نموده است؛ گویی از دید او هر که خود را به راستی برتر از دیگران نینگارد، چنین اوصافی در وجودش نقش می بندد. این گونه، وی می گوید زمانی که فرد اظهار فروتنی کند، فرشته ای مأمور می گردد تا جایگاه او را نزد خدا بالاتر برد (ابن انباری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۹۷). همچنین می گوید، کسانی که چنین تواضعی ندارند، حتی ممکن است گاه متکبرانه سخن پیامبران را نشوند و به خاطر همین غرور در جهنم جای گیرند (نحاس، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۶۲).

ابن عباس، افزون بر حسن خلق با عموم، بر ضرورت دوستی ورزیدن با ایشان هم تأکید می کند و یادآور می شود که پیامبر (ص) میان مهاجر و انصار پیوند برادری و دوستی افکند (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۵۰۷). این رابطه برادرانه از دید او دو گونه است: یکی نیکوکاری به اهل و فاء و قدر شناسان، و دیگری، بهره مندی از اهل راستی و امانت با اعتماد در سپردن اموال و بردن حاجات پیش آن ها (ابن طرار، ۱۴۲۶، ص ۲۳). به طبع برخی از این برادران را نیز باید برای هم نشینی برگزید. وی به هم نشینی با افرادی توصیه می کند که انسان را به یاد خدا بیندازند (ابن مبارک، بی تا ب، ص ۷۲)، گفتار شان علم بیفزاید و عمل شان آخرت را به یاد آورد (ابن ابی دنیا، ۱۴۱۳، ص ۱۷). از قول پیامبر (ص) نیز تأکید بر این را نقل می کند که انسان باید از هم نشینی بدان دوری گزیند (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۶).

۳-۳. خیرخواهی و یاری رسانی

در کنار حسن خلق در تعاملات اجتماعی، ابن عباس بر تلاش برای یاری رسانی به دیگران نیز هم چون شیوه ای برای التزام به حق الناس تأکید می کند. وی به یاد می آورد که پیامبر (ص) گفتند: اگر سبب نمی شد مردم با تأسی به من دچار زحمت شوند، خود به چاه می رفتم و برای دیگران آب می کشیدم (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۶۷). به باور وی، هم چنان که در این کوشش ها نباید بخل ورزید، افراط هم نباید کرد؛ مبادا کار نیکو به درماندگی خود فرد بینجامد

(ابن ابی حاتم، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۸۱؛ طبری، ۱۴۲۲، ج ۱۵، ص ۹۹). اگر این اصل مراعات شود، هر کار نیکی در حق دیگران، چه فقیر، چه غنی، پاداش اخروی دارد (ابن مبارک، ۱۴۱۱، ص ۱۸۸)؛ مثلاً، هر کس مسجدی هر چند کوچک بسازد، برای خود منزلی در بهشت بنا نهاده است (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۷۵).

ابن عباس می گوید نباید به انتظار کارهای بزرگ نشست و از اقدامات کوچک بازماند؛ میانجی گری برای ازدواج (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۵) یا حتی گرامی داشت مهمان (نک. معمر بن راشد، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۷۴؛ ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۴۵۳) نیز مطلوبند و با خود، خیر و برکت برای زندگی می آورند. وی نقل می کند که مردی از پیامبر (ص) پرسید: با بضاعت اندک چه کار خیری می تواند بکند؟ ایشان فرمودند که مَشکی بگیرد و مردمان را آب نوشاند (نک. طبرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۲، ص ۱۰۴). این گونه، مطلوبیت یاری رسانی، به باور او، نه به خاطر پُرخرجی اقدامی است که صورت می گیرد؛ از آن رو ست که نوعی خیرخواهی برای دیگران است. او از قول پیامبر (ص) نقل می کند که دین اصلاً چیزی غیر از همین خیرخواهی ها نیست (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۵۱). نیز، در مقام توصیه به این رفتار می گوید که خود گرچه کشتزار و دامی ندارد، هر گاه بارانی بر مسلمانان ببارد، شاد می شود (ابو عبید، ۱۴۱۵، ص ۱۰۲).

از میان کارهای خیرخواهانه مختلف، تأکید ویژه ای در روایات او می توان بر کوشش برای رفع مشکل دیگران دید؛ برای نمونه، ابن عباس از پیامبر (ص) نقل می کند هر که مشکل دیگری را برطرف کند، خدا او را از جهنم بازمی دارد (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۷). اتفاق در راه خدا، هر چند به اندازه رساندن تیری به صاحب کمان، فرد را از افتادن در ورطه هلاکت می رها کند (ثوری، ۱۴۰۳، ص ۵۹)؛ برای دیگر روایات او در فضیلت انفاق، نک. احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، صص ۲۲۰، ۲۳۳، ۳۰۱، ۳۶۶-۳۶۷). وی می گوید پیامبر (ص) فرمود: هر که مسلمانی را بپوشاند، مادام که آن یکی لباس بر تن کند این یکی در حفظ خداست (ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۶۵۱)؛ هر کس مؤمنی را آزاد کند، خدا در برابر هر عضو آن مؤمن، عضوی از خود او را از آتش جهنم آزاد می کند (طبرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۲۷۲)؛ و هر کس به یتیمی پناه دهد و عهده دار مخارج او گردد، در بهشت، خانه ای در کنار پیامبر (ص) خواهد گرفت (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۲۷).

از میان شیوه های مختلف کمک رسانی به دیگران هم ابن عباس تأکید ویژه ای بر یاری کسانی دارد که طلب یاری کنند؛ می گوید: هر کس پناه آورد و چیزی طلب کرد، باید به او پناه دهند و نیازش را رفع کنند (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۰). بدترین مردم نیز کسی است که چون به او نیاز آورند، پاسخ نگوید (ابن مبارک، بی تا الف، ص ۱۵۹). کسی که می تواند به مظلومی کمک رساند و خودداری کند، باید منتظر انتقام سخت خدا باشد (خرائطی، ۱۴۱۳، ص ۲۹۱). آن جا نیز که می گوید ثواب قرض بیش تر از صدقه است، به همین استناد می کند که تا کسی گرفتار نباشد

برای وام‌خواهی نزد دیگری نمی‌رود؛ اما صدقه ممکن است به افرادی داده شود که به‌راستی نیازمندش نباشند (ابن مبارک، بی تا ب، ج ۱، ص. ۲۶۶).

در برخی روایات ابن عباس، یاری‌رسانی از یک توصیه اخلاقی فراتر رفته و شکل یک امر مؤکد را به خود گرفته است؛ به‌طوری که دیگر ضرورت آن به درخواست نیازمندان منوط نمی‌شود؛ آن‌جا که سخن از حقوق طبقات فرودست جامعه مطرح است. وی در تفسیر آیه‌ای از قرآن متذکر می‌شود که یک سرفصل مهم دادرسان ملاً اعلی (نک. ص. ۶۹) اطعام فقیر و مسکین است (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۳۶۸)؛ و نیز نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمودند: هر که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد، مسلمان نیست (ابن مبارک، ۱۴۱۱، ص. ۱۷۵).

فراتر از تلاش‌های فردی، در آثار ابن عباس، خیرخواهی برای مسلمانان و یاری‌رسانی به ایشان در قالب مشارکت‌جویی در کوشش‌های اجتماعی نیز مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. یک جلوه چنین کوششی خیرخواهانه رفتن به جنگ دشمنان است و هر که چنین کند از همه برتر است (طیالسی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص. ۴۱۸؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، صص. ۲۳۷، ۳۱۹). چشمی که برای خدا نگهبانی دهد، آتش جهنم را نخواهد دید (ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص. ۱۷۵). از نظر وی، حتی زنان می‌توانند برای اقداماتی هم‌چون مداوای زخم‌ها با جهادیان همراه شوند (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۲۲۴). کوشش مشابه دیگر، آموزش عمومی است. وی نقل می‌کند پیامبر (ص) فرمودند که حتی ماهیان دریا بر آموزگار نیکویی درود می‌فرستند (معمر، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص. ۴۶۹). ابن عباس خود را مشتاق این نوع مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد و می‌گوید: اگر بر دانشی دست یابم، دوست دارم آن را به همه بیاموزانم (بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۴، ص. ۳۸). برای مطالعه روایات فراوان او درباره فضیلت علم و آداب کسب آن نگاه کنید به: ابن سعد، بی تا، ج ۲، ص. ۳۸۶، ج ۵، ص. ۲۸۷؛ خرائطی، ۱۴۱۹، ص. ۲۳۵). کوشش اجتماعی دیگری که وی بر آن تأکید می‌کند امر به معروف و نهی از منکر است (نک. احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص. ۲۵۷؛ ابن ابی دنیا، ۱۹۹۷، ص. ۶۹).

نتیجه‌گیری

مطالعات پیش‌تر محققان نشان می‌دادند که از نگاه ابن عباس خیر اعلی در دست‌یابی به روان‌شادان است. با دسته‌بندی آموزه‌های ابن عباس برپایه بسامد آن‌ها در مطالعه کنونی کوشیدیم پیوند میان‌شان را بازشناسیم. چنان‌که دریافتیم، از نگاه او برای دست‌یابی به روان‌شاد باید نخست کف نفس کرد. بدین منظور، نخست باید از گناهان دوری گزید و خاصه خوراک و گفتار و فکری و شهوات جنسی را پایید. دیدیم گناهایی که او می‌شناساند اغلب همان‌هاست که صحابه مختلف از قول پیامبر (ص) باز نموده‌اند؛ با این فرق که در آثار ابن عباس تأکید پربسامدی نیز بر گناهان فکری دیده می‌شود. باری، از نگاه وی برای چنین کف نفسی در مرحله بعد باید از لذت‌های حلال نیز درگذشت. او دوری از قدرت سیاسی را به‌همراه خزیدن به کنج عبادت گمنامانه برتر از شهرت و قدرت

می‌شناساند و در عین حال معتقد است نباید این زهد به کوتاهی در امر دنیا و اداء حقوق واجب انجامد.

ابن عباس در کنار تأکید بر منش‌های فردی یادشده، دو سفارش مهم دیگر نیز دارد: یکی پای‌بندی به سنت‌ها، خاصه سنت نبوی، و دیگری، توجه به حق الناس. پای‌بندی به سنت‌ها از نگاه او برای این مهم است که فرد را از بدعت‌گذاری که موجب تندروی‌هاست باز می‌دارد. از میان سنت‌های نبوی نیز وی تأکید ویژه‌ای بر عبادات و مراعات بهداشت می‌کند و نیز، در عین تأکید بر لزوم حفظ سنت‌های نیکوی پیشین، بر ضرورت اصلاح سنت‌های کهن، خاصه دوری از رسوبات سنن غیر اخلاقی عصر جاهلی، تأکید می‌کند.

توجه به حق الناس هم از نگاه او بدان سبب مهم است که انسان‌ها کرامت ذاتی دارند. این کرامت ذاتی به باور او مستلزم آن است که افراد، حقوق همه انسان‌ها را به رسمیت شناسند، حسن خلق پیشه کنند و با کوشش‌های فردی و مشارکت‌های اجتماعی، خیرخواه و یاری‌رسان دیگر انسان‌ها باشند. آن‌جا نیز که سخن از حق طبقات فرودست اجتماعی باشد چنین توجهی به باور او در زمره واجبات است.

در سخن از شاخصه‌های کلی، آموزه‌های مکرر و وجوه بارز سلوک پیشنهادی او نیز باید به تأکید او بر پیوند میان سنت‌ها و دوری از تندروی‌های دینی، تأکید بر حقوق طبقات فرودست اجتماعی، تأکید بر گناهان فکری و بر دوری از لذت‌ها، حتی لذات حلال، اشاره کرد. نکته آخر این که هنوز نمی‌توان بر پایه دانش کنونی پاسخی به این سؤال گفت که هریک از این رفتارها از نگاه او دقیقاً چه گونه شادی روان را در پی دارند. نیز، چنان که پیش از این هم تأکید شد، جستن ربط این اندیشه‌ها با نگرش‌های دیگر متفکران عصر صحابه هم چون ابوذر، ابن مسعود، ابودرداء و مکتب اهل بیت (ع) را باید موضوع مطالعات دیگر شناخت.

منابع

قرآن کریم.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد. (۱۴۲۴). التفسیر. به کوشش اسعد محمد طیب. بیروت: دارالفکر.
ابن ابی دنیا، عبدالله بن محمد. (۱۴۰۹). التواضع و الخمول. به کوشش عبدالقادر احمد عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.

_____ (۱۴۱۰). الصمت و آداب اللسان. به کوشش ابواسحاق حوینی. بیروت: دارالکتب العربی.
_____ (۱۴۱۳). الأولیاء. به کوشش محمد سعید بن بسیونی زغلول. بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
_____ (۱۴۱۷). قصر الأمل. به کوشش محمد خیر رمضان یوسف. بیروت: دار ابن حزم.
_____ (۱۴۱۸). الصبر و الثواب علیہ. به کوشش محمد خیر رمضان یوسف. بیروت: دار ابن حزم.
_____ (۱۹۸۸). ذم البغی. به کوشش نجم عبدالرحمان خلف. ریاض: دارالرایه.
_____ (۱۹۹۲). ذم الغیبة و النمیمه. به کوشش بشیر محمد عیون. دمشق: دارالبیان.
_____ (۱۹۹۷). الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر. به کوشش صلاح بن عایض شلاحی. ریاض: مکتبه الغرباء الأثریہ.

_____ (بی تا الف). مکارم الأخلاق. به کوشش مجدی السید ابراهیم. قاهره: مکتبه القرآن.
_____ (بی تا ب). ذم المسکر. به کوشش نجم عبدالرحمان خلف. ریاض: دارالرایه.
ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد. (۱۴۰۹). المصنف. به کوشش کمال یوسف حوت. ریاض: مکتبه الرشید.
_____ (۱۴۲۰). الأدب. به کوشش محمدرضا قهوجی. بیروت: دارالبشائر.
ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو. (۱۴۰۰). السنه. به کوشش محمد ناصرالدین آلبنانی. بیروت: المکتب الاسلامی.
_____ (۱۴۰۷). اللدایات. کراچی: اداره القرآن والعلوم الاسلامیہ.
ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۴). النهایه فی غریب الحدیث و الاثر. به کوشش طاهر احمد زاوی و محمود محمد طناحی. قم: اسماعیلیان.
ابن انباری، محمد بن قاسم. (۱۴۱۲). الزاهر فی معانی کلمات الناس. به کوشش حاتم صالح الضامن. بیروت: الرّساله.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۴). من لا یحضره الفقیه. به کوشش علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
_____ (۱۴۱۷). الأمالی. قم: بعثت.
ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۱۵). الاصابه. به کوشش عادل احمد عبدالوجود و علی محمد معوض.

بيروت: دارالكتب العلمية.

ابن راهويه، اسحاق بن ابراهيم. (١٤٢٣). *المسند*. به كوشش محمد مختار ضرار مفتي. بيروت: دارالكتاب العربي.
ابن زبير بصرى، مجاعة. (١٤٢٣). *من حديث ابى عبيدة مجاعة بن الزبير*. به كوشش عامر حسن صبرى. بيروت: دارالبشائر.

ابن سعد، محمد. (بى تا). *الطبقات*. بيروت: دار صادر.

ابن طرار، معافى بن زكريا. (١٤٢٦). *الجلس والانىس*. به كوشش عبدالكريم سامى جندى. بيروت: دارالكتب العلمية.

ابن طهمان، ابراهيم. (١٤٠٣). *المشيخة*. به كوشش محمد طاهر ملك. دمشق: مجمع اللغة العربية.
ابن عدى، عبدالله. (١٤١٨). *الكامل فى ضعفاء الرجال*. به كوشش عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض. بيروت: دارالكتب العلمية.

ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم. (١٤١٨). *عيون الأخبار*. بيروت: دارالكتب العلمية.

ابن كثير، اسماعيل. (١٤٠٨). *البدایة و النهایة*. به كوشش على شيرى. بيروت: دار احياء التراث العربى.
ابن ماجه، محمد بن يزيد. (١٤٣٠). *السنن*. به كوشش شعيب الأرئوط و ديكران. بيروت: دارالرسالة العالمية.
ابن مبارك، عبدالله. (بى تا الف). *الجهاد*. به كوشش نزيه حماد. جدّه: دارالمطبوعات الحديثه.

_____ (بى تا ب). *الزهد*. به كوشش حبيب الرحمن اعظمى. بيروت: دارالكتب العلمية.

_____ (١٤١١). *المسند*. به كوشش مصطفى عثمان محمد. بيروت: دارالكتب العلمية.

ابن وضاح، محمد. (١٤١٦). *البدع و النهى عنها*. به كوشش عمرو عبدالمنعم سليم. قاهره: مكتبة ابن تيميه.

ابن وهب، عبدالله. (١٤٢٠). *الموطأ*. به كوشش هشام اسماعيل صينى. دمام: دار ابن الجوزى.

ابوالشيخ اصفهانى، عبدالله بن محمد. (١٩٩٨). *أخلاق النبى و آدبه*. به كوشش صالح بن محمد ونيان. رياض: دارالمسلم.

ابوالوليد باجى، سليمان بن خلف. (١٣٣٢). *المنتقى*. قاهره: مطبعة السعادة.

ابوداود سجستانى، سليمان بن اشعث. (بى تا). *السنن*. به كوشش محمد محيى الدين عبدالحميد. بيروت: المكتبة العصرية.

_____ (١٤١٤). *الزهد*. ابوتميم ياسر بن ابراهيم بن محمد و ديكران، حلوان: دارالمشكاة.

ابوعبيد قاسم بن سلام. (١٤١٥). *فضائل القرآن*. به كوشش مروان عطيه و ديكران. دمشق: دار ابن كثير.

ابويعلی موصلى، احمد بن على. (١٤٠٤). *المسند*. به كوشش حسين سليم اسد. دمشق: دارالمأمون.

- اترک، حسین. (۱۴۰۰). «دروغ‌گویی از نظر کانت». *فصلنامه تأملات اخلاقی*. ۲ (۵): ۴۶-۶۲.
- احمد بن حنبل. (بی تا). *المسند*. بیروت: دار صادر.
- _____. (۱۴۲۰). *الزهد*. به کوشش محمد عبدالسلام شاهین. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اخبار الدولة العباسیه* (اثری از مؤلفی ناشناخته در سده ۳). (بی تا). به کوشش عبدالعزيز دوری و عبدالجبار مطلبی. بیروت: دارالطلیحه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱). *الصحيح*. بیروت: دارالفکر.
- _____. (۱۴۱۹). *الأدب المفرد*. به کوشش سمیر امین الزهیری. ریاض: مکتبه المعارف.
- بزار، احمد بن عمرو. (۱۹۹۸). *المسند*. به کوشش محفوظ الرحمن زین الله و دیگران، مدینه: مکتبه العلوم و الحكم.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۵۹). *انساب الاشراف*. به کوشش محمد حمیدالله. قاهره: دارالمعارف.
- بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۲۳). *شعب الایمان*. به کوشش عبدالعلی عبدالحمید حامد. ریاض: مکتبه الرشد.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۳۹۵). *السنن*. به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی و دیگران. قاهره: مصطفی البابی الحلبي.
- ثعلبی، احمد بن ابراهیم. (۱۴۳۶). *التفسیر*. جدّه: دارالتفسیر.
- ثوری، سفیان بن سعید. (۱۴۰۳). *التفسیر*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- _____. (۲۰۰۴). *الحديث*. به کوشش عامر حسن صبری. بیروت: دارالبشائر.
- جاحظ، عمرو بن بحر. (۱۳۸۴). *الرسائل*. به کوشش عبدالسلام محمد هارون. قاهره: مکتبه الخانجی.
- حارث بن ابی اسامه. (۱۴۱۳). *المسند*. به کوشش حسین احمد صالح باکری. مدینه: مرکز خدمه السنه.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱). *المستدرک علی الصحیحین*. به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خرائطی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۳). *مساوی الأخلاق*. به کوشش مصطفی بن ابوالنصر شلبی. جدّه: مکتبه السوادی.
- _____. (۱۴۱۹). *مکارم الأخلاق*. به کوشش ایمن عبدالجابر البحیری. قاهره: دارالآفاق العربیه.
- خلیفه بن خیاط. (۱۴۰۵). *المسند*. به کوشش اکرم ضیاء غمری. بیروت: موسسه الرساله.
- خیثمه بن سلیمان. (۱۴۰۰). *الحديث*. به کوشش عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتب العربی.
- دیلمی، شیرویه بن شهردار. (۱۴۰۶). *الفردوس بمأثور الخطاب*. به کوشش سعید بن بسیونی زغلول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۷). *تاریخ الاسلام*. به کوشش عمر عبد الخلاف السلام تدمری. بیروت: دارالکتب العربی.

_____ (۱۴۱۳). سیر اعلام النبلاء. به کوشش شعيب ارتنوط و حسين سليم اسد. بيروت: مؤسسه الرسالة.

زبيدي، محمد بن محمد. (۱۴۱۴). تاج العروس. به کوشش علي شيري. بيروت: دارالفكر.

زبير بن عدی. (۲۰۰۴). النسخه. نسخه خطی منتشر شده ضمن برنامه نرم افزاری جوامع الكلم.

سيوطي، عبدالرحمان بن ابى بكر. (بى تا). الدر المنثور. بيروت: دار المعرفة.

شافعي، محمد بن ادريس. (۱۴۱۰). اختلاف الحديث. بيروت: دارالمعرفه.

_____ (۱۴۲۷). التفسير. به کوشش احمد مصطفى فران. رياض: الدار التدمرية.

_____ (۱۳۵۷). الرسالة. به کوشش احمد محمد شاكر. قاهره: مكتبة مصطفى البابي الحلبي و اولاده.

شيخ طوسي، محمد بن حسن. (۱۴۰۷). تر. قم: جامعه مدرسين.

صنعاني، عبدالرزاق بن همام. (۱۴۰۳). المصنف. به کوشش حبيب الرحمن اعظمي. بيروت: المكتبة الاسلامي.

_____ (۱۴۱۹). التفسير. به کوشش محمود محمد عبده. بيروت: دارالكتب العلمية.

طبراني، سليمان بن احمد. (۱۴۰۶). المعجم الكبير. به کوشش حمدي عبدالمجيد سلفي. بيروت: دار احياء التراث العربي.

----- (۱۴۱۵). المعجم الاوسط. به کوشش طارق بن عوض الله بن محمد و عبدالمحسن بن ابراهيم حسيني. قاهره: دارالحرمين.

طبري، محمد بن جرير. (بى تا). تهذيب الآثار: مسند ابن عباس. به کوشش محمود محمد شاكر. قاهره: مطبعة المدني.

_____ (۱۴۲۲). جامع البيان. به کوشش عبدالله بن عبدالمحسن تركي. قاهره: دار هجر.

طيالسي، سليمان بن داوود. (۱۴۱۹). المسند. به کوشش محمد بن عبدالمحسن تركي. قاهره: دار هجر.

عبد بن حميد. (۱۴۰۸). المسند. به کوشش صبحي سامرائي و محمود محمد خليل صعيدى. قاهره: مكتبة السنه.

عقّان بن مسلم باهلي. (۱۴۱۲). الاحاديث. به کوشش حمزه احمد الزين. بيروت: مؤسسه الرسالة.

عقيلي، محمد بن عمرو. (۱۴۰۴). الضعفاء. به کوشش عبدالمعطي امين قلججي. بيروت: دارالكتب العلمية.

عمر بن احمد. (۱۴۲۴). الترغيب. به کوشش محمد حسن اسماعيل. بيروت: دارالكتب العلمية.

قاضي قضاعي، محمد بن سلامه. (۱۴۰۷). مسند الشهاب. به کوشش حمدي بن عبدالمجيد سلفي. بيروت: مؤسسه الرسالة.

ماتريدي، محمد بن محمد. (۱۴۲۶). تأويلات اهل السنه. به کوشش مجدي باسلوم. بيروت: دارالكتب العلمية.

مالك بن انس. (۱۴۰۶). الموطأ. به کوشش محمد فؤاد عبدالباقي. بيروت: دار احياء التراث العربي.

- مجاهد بن جبر. (بی تا). *التفسیر*. به کوشش عبدالرحمان طاهر سورتی. بیروت: المنشورات العلمیه.
- مسلم بن حجاج. (بی تا). *الصحيح*. بیروت: دارالفکر.
- معافی بن عمران موصلی. (۱۴۲۰). *الزهد*. به کوشش عامر حسن صبری. بیروت: دارالبشائر.
- معمر بن راشد. (۱۴۰۳). *الجامع*. به کوشش حبيب الرحمان اعظمی. بیروت: المكتب الاسلامی.
- مقاتل بن سلیمان بلخی. (۱۴۲۳). *التفسیر*. به کوشش عبدالله محمود شحاته. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مهروش، فرهنگ. (۱۳۹۶). «روزۀ عاشورا در دو سده نخست هجری: د سته بندی و گونه شناسی روایات». *علوم قرآن و حدیث*. ۴۹ (۲): ۵۱-۷۹.
- _____ و دیگران. (۱۴۰۰). «شیوۀ اصلاح بینش ها از نگاه ابن عباس، مروری بر روایات اخلاقی او در منابع متقدم». *مطالعات فهم حدیث*. ۸ (۱)، ۲۰۷-۲۳۱.
- میراحمدی، صادق. (۱۴۰۰). «بررسی اهمیت فضائل فکری در آموزش و چگونگی اکتساب آن ها». *فصلنامه تأملات اخلاقی*. ۲ (۲): ۶۲-۷۸.
- نحاس، احمد بن محمد. (۱۴۲۱). *اعراب القرآن*. به کوشش عبدالمنعم خلیل ابراهیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- وکیع بن جراح. (۱۴۰۴). *الزهد*. به کوشش عبدالرحمان عبدالجبار فریوائی. مدینه: مکتبۀ الدار.
- همتی پور، مرتضی. (۱۴۰۰). *بازشناسی اندیشه اخلاقی ابن عباس*. رسالۀ دکتری علوم قرآن و حدیث. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان.
- یحیی بن سلام. (۱۴۲۵). *التفسیر*. به کوشش هند شلبی. بیروت: دارالکتب العلمیه.